

«ایران» زیباترین نامی که می‌شناسم

مجید سلطانی

ویراستار

در سال ۷۳ که من وارد روزنامه ایران شدم افتخار همکاری با افراد کهنه کار مطبوعات که جزو غول‌های روزنامه‌نگاری و در بخش فنی هم جزو غول‌های مطبوعات کشور بودند، پیدا کردم و این برای من جوان مایه مباهات بود.

از جمله این افراد آقای دکتر فریدون وردی‌نژاد مدیرعامل خبرگزاری ایرنا و روزنامه ایران، آقای دکتر مجید رضاییان جانشین مدیرعامل و سردبیر، مرحوم آقای حسین الهامی سردبیر اجرایی، آقای دکتر بهزادی، آقای بلوری دبیر سرویس حوادث، مرحوم آقای



امین‌زاده دبیر سرویس شهرستان‌ها، آقای محمد آقازاده، دبیر سرویس آینه، آقای منصور بی‌طرف دبیر گروه اقتصادی و... در بخش فنی مرحوم آقای آذری، آقای مرتضی شادمانی، مرحوم اسماعیل محرابی و خیلی‌های دیگر بودند. خاطرات من در روزنامه ایران زیاد است، اما به دو خاطره بسنده می‌کنم؛ خاطره اول مربوط می‌شود به روزی که در حال بستن ویژه‌نامه انگلیسی به مناسبتی خاص بودند، مطالب انگلیسی زیادی داشتند که باید حروفچینی می‌شد و هیچ‌کس در بخش حروفچینی نبود که کار تایپ انگلیسی بلد باشد، وقتی به من گفتند من هم در جواب گفتم ۹ سال است که کار حروفچینی فارسی و انگلیسی انجام می‌دهم و از این بابت مشکلی نیست و شروع به تایپ مطالب کردم. وقتی مطالب تمام شد و برای اصلاح و غلط‌گیری آمد، دبیر این ویژه‌نامه که گویا زبان انگلیسی او خیلی عالی بود، به من گفت خیلی ترسیدم وقتی حروفچینی می‌کردی، چرا که اصلاً به مانیتور نگاه نمی‌کردی و فقط به متن دستی من نگاه می‌کردی و گفتم وقتی متن برگردد پراز غلط است، اما تعجب کردم که در این متن دو غلط بیشتر نبود و خلاصه از من تشکر زیادی کرد. اما خاطره دوم مربوط می‌شود به اولین سالگرد روزنامه ایران که در تحریریه برگزار شد و همه دور میزی که یک مخصوص سالگرد روزنامه روی آن بود، جمع شده بودیم. آقای دکتر وردی‌نژاد در آن شب خاص گفتند هرکس دوست دارد می‌تواند جمله‌ای درباره سالگرد روزنامه بنویسد و من هم در آن شب خاص یک جمله در وصف روزنامه ایران نوشتم و آن جمله این بود: «ایران» دوست دارم و ایران زیباترین نامی است که می‌شناسم».

اکنون ۳۰ سال است که من در روزنامه ایران مشغول کار هستم و اگر خدا بخواهد در آخر سال ۱۴۰۳ بازنشست خواهم شد و اگر واقعیت را بخواهم بگویم این است که دل بازنشست شدن ندارم، چرا که محیط روزنامه و بخصوص همکارانم در بخش ویراستاری اینقدر در قلب من جای گرفته‌اند که ترک آنها موجب افسردگی‌ام خواهد شد.

تقدیر انتخاب درستی برایم داشت

روشک نبوی

صفحه‌آرا

عنوان «ایران» برایم مقدس است و همیشه سعی کردم به قداست این نام در کارم بهترین باشم. روزهای شادی و غم بسیاری را در کنار همکاران گذراندم. خیلی از همکاران را در این سال‌ها از دست دادیم و خیلی از همکاران بازنشستگی زودتر از موعد را انتخاب کردند. روزهای سخت توقیف چند ماهه روزنامه برایمان بسیار تلخ بود. در همان روزها بارها از درون و بیرون تشویق به ترک کار شدم ولی در قلبم اینجا را دوست داشتم و دارم و با امید به رفع توقیف در روزنامه ماندم.

همراه با خبرهای شاد، شادی می‌کنیم و خبرهای تلخ اشک به چشمانمان می‌آورد. روزهای ریزش ساختمان پلاسکو اینجا در تحریریه روزنامه به صورت آنلاین عملیات نجات را می‌دیدیم، جنازه هر آتش‌نشانی که به بیرون کشیده می‌شد حق‌ها گریه‌های ما را هم بدرقه‌اش می‌کرد. اگر بخواهم مهم‌ترین تحول این ۲۹ سال در فضای رسانه را نام ببرم آمدن اینترنت به فضای رسانه بود؛ با استفاده از اینترنت و دسترسی به سایت‌های خبری وابسته به رسانه‌ها یعنی روزنامه‌ها و سایت‌های مستقل از آنها، می‌توان با سرعت و سهولت به حجم بسیار زیادی از اطلاعات و اخباری که ساعت به ساعت تازه می‌شود، دسترسی پیدا کرد. اکنون که به سال پایانی خدمتم رسیده‌ام و نگاهی گذرا به ۲۹ سال کاری خود می‌کنم، خرسندم که توانستم خدمتی هرچند کوچک به جامعه رسانه‌ای کشورم ایران کنم.



ویراستاران؛ متخصصان پشت صحنه

داریوش کمالی آزاد

دبیر سرویس ویراستاری

همیشه و در هر حرفه‌ای هستند عده‌ای که فعالیت‌شان یا حتی خودشان دیده نمی‌شوند و نمود آنچنانی ندارند؛ از جمله در همین حرفه خودمان روزنامه‌نگاری. در هر نشریه‌ای بسته به تعداد صفحات نشریه، نفر یا نفراتی کار ویرایش و اصلاح مطالب و اخبار را انجام می‌دهند. اینها مثل کارگران طبقه زیرین تاپتانیک همیشه کار دارند؛ از اول صبح تا زمان ارسال صفحات به چاپخانه اما هرگز دیده نمی‌شوند، مگر مواقعی که اشکال یا ایرادی در روزنامه چاپ شود یا حتی گاهی چاپ هم نمی‌شود! در چنین مواقعی اولین جایی که سراغش را می‌گیرند، همین گروه پرکار و پرزحمت و کم‌ادعای ویراستاران و مصححان است. اینان متأسفانه کمتر شناخته شده‌اند، حتی در بین خود روزنامه‌نگاران هم آطور که باید با جزئیات کارشان آشنا نیستند، به طوری که گاهی به طعن و کنایه یا ناآگاهی



اشاره به این می‌کنند که اینها کارشان گرفتن یا نگرفتن ویرگول‌هاست در حالی که این، فقط یکی از ده‌ها یا صدها موارد جزئی این حرفه دقیق است. در آستانه تولد ۳۱ سالگی روزنامه‌ایران از طرف همه کارکنان بر خود فرض می‌دانم از همه دست‌هایی که ادامه حیات فرهنگی ما را میسر کرده‌اند و می‌کنند، بخصوص شما مخاطبان عزیز صمیمانه سپاسگزاری کنم. ۳۰ سال در کنار شما بوده‌ایم و فرهنگ ایران‌زمین را با همه توان فریاد کرده‌ایم، گفتیم و می‌گوییم که فرهنگ ما ریشه در عرفان مولانا، عشق حافظ و شادمانی خیام دارد.



کمالی آزاد:

ویراستاران مثل کارگران طبقه زیرین تاپتانیک همیشه کار دارند؛ از اول صبح تا زمان ارسال صفحات به چاپخانه اما هرگز دیده نمی‌شوند، مگر مواقعی که اشکال یا ایرادی در روزنامه چاپ شود یا حتی گاهی چاپ هم نمی‌شود! در چنین مواقعی اولین جایی که سراغش را می‌گیرند، همین گروه پرکار و پرزحمت و کم‌ادعای ویراستاران و مصححان است

۸۸ بهمن ماه ۱۴۰۳

ایران